

مطبوعات ما

خواندنیهای کهن

به قلم مرعوم داور -- روزنامه مرد آزاد سرطان ۱۳۰۲

ما هیچ کار نداریم که ملت بی سواد بلد نیست روزنامه بخواند از این هم می‌گذریم که اقلیت به استثناء عده‌ای فقط کوره سواد دارد و با این طور مایه‌ها روزنامه خواندن سهل است ولی مطلب فهمیدن مشکل.

از فقر مردم هم صحبت نمی‌کنیم: نگفته معلوم است که اکثریت مفلس، روزنامه بخر پر و پا قرصی نیست.

کسی که با «حسرت الملوک - کباب جگرک» باید بسازد و یا «باولی الله» خوش باشد کجا به فکر روزنامه خریدن خواهد افتاد؟ این محظورات همه به کنار - ولی آن محررین عالمی که باید افکار کج و کوله ایرانی را عوض بکنند کو؟

ولو فرض اشخاص فاضل هم جریده نگار شدند - تازه در دوام کردنشان حرف است. با این احوال معلوم است چه قماش مردمی روزنامه نویس خواهند شد سابقاً در یکی از طبقات می‌گفتند شرط پیشرفت‌اش بی سواد است و بی شرمی اگر همین حرف را امروز در باب طبقه روزنامه نویسی بگویند کفر نگفته‌اید.

البته، این قاعده کلی بی استثناء نیست. در همین تهران ادب‌اری حاضر تک و توک روزنامه نویس حسابی هست - ولی اصل همان است که گفتیم: تا چندین سال دیگر از مطبوعات ایران. بطور کلی - هیچ توقع و انتظاری نباید داشت. اکثریت نویسندگان ما جاهل و مغرض و پرادها خواهند ماند و روح ملی را سال به سال خراب‌تر می‌کنند.

پس اگر با مطبوعات هم نشود افکار را تغییر داد چه باید کرد؟ مسأله فوق‌العاده اهمیت دارد - باید آن را درست حل‌اجی کرد تا شاید مردم ساده لوح یک کمی از اشتباه بیرون بیایند. شما شنیده‌اید که یکی از عوامل مؤثر ترقی ملل امروز دنیا مطبوعات است ولی هیچ پرسیده‌اید مطبوعات اروپا چیست، بدست چه قسم اشخاصی اداره می‌شود - روزنامه‌های ما را ممکن است با آنها مقایسه کرد یا خیر؟ نه - فرصت نداشتید به این فکرها بیفتید حق هم با شماست ملت بی‌کار حوصله فکر ندارد پس حالا که خواهی نخواهی ما وقت شما را گرفته‌ایم یک دقیقه در این باب فکر کنید آن مطبوعاتی که شنیده‌اید دنیای مغرب را می‌چرخاند هیچ طرف مقایسه با آن چه ما داریم نیست این اوراقی که در کوچه و بازار می‌فروشند و اغلب بزور برای جماعتی می‌فرستند - این ورق‌هایی که با منتها درجه پررویی در کلیه مسایل اظهار اطلاع می‌کنند - به هر کس بر خلاف ساحت مقدس‌شان حرفی زد فحش می‌بافند - هر بیچاره‌ای که نخواست به آنها باج بدهد خائن و جانی و دزد و بی شرف می‌گویند و با مختصر وجهی می‌شود به هر خیانت‌کاری زین و برگ‌شان کرد این مطبوعات نیست: مصیبت است.

تمام اروپا را زیر و رو کنید شهرهای کوچک و بزرگش را بگردید به همه قصباتش سر بزنید اگر شما این شکل مطبوعات دیدید هر روز صبح پس از تعقیب نماز سه دوره تسبیح به ما لعنت بفرستید.

اگر برعکس ملتفت شدید معنی این لفظ در ممالک از ما بهتران چیست جراید اروپا را فکر و قلم سیاسیون بزرگ - وزرای معروف و کلای زبردست - علمای مجرب - نویسندگانی ماهر اداره می‌کند - وقتی دیدید امثال «پوانکاره» و «روزولت» بعد از ریاست جمهور اولی در فرانسه و دومی در امریکا مقاله نویس و محرر روزنامه شده‌اند آن وقت از طرفی تصدیق خواهید کرد که با این قبیل روزنامه نویس‌ها مطبوعات مستحق همه قسم احترام است و از طرف دیگر فوراً فکر شما، عقل شما هر قدر هم خدای نکرده دیمی و کم بنیه باشد به شما خواهد گفت: خوب پس این «آزادی خواهان» ما - این روزنامه‌چی‌های بی‌سواد و چموش این لعبت‌هایی که از بی‌لیاقتی و ول‌گردی به روزنامه نویسی افتاده‌اند

این‌ها چه می‌گویند؟ باچه علم و فضل ما را راهنمایی می‌کنند؟ در کدام مکتب اوضاع امروزی را شناخته‌اند - راه حل مشکلات اجتماعی را بلد شده‌اند - پیچ و خم سیاست‌های خارجی را دیده‌اند؟

اگر باهوش عادی و فکر تربیت نشده ممکن است فهمید راه اصلاح کدام است - در این صورت چه احتیاج به وجود آنها است فکر دیمی را خود ما هم داریم.

بلی روزنامه نویس‌های ما - به استثنای معدودی - علم و اطلاعی که برای این که لازم است ندارند همه این را می‌دانیم. منتها خیال می‌کنیم حرف‌های یک نفر عامی ... به محض این که چاپ شد مغز پیدا می‌کند!

منکرید؟ خیال نمی‌کنید که چاپ به هر فکر پوچی عمق و معنی می‌دهد؟ نه؟ پس حرف‌های چاپ شده یک دسته جاهل قلاش را برای چه می‌خرید؟

از خواندن روزنامه‌هایی که می‌دانید مدیرش سواد معمولی هم ندارد تاچه رسد به علم و هنر سیاسی چه فایده می‌برید؟ مگر پول را باید دور ریخت؟ مگر وقت را باید بیهوده تلف کرد؟

خلاصه - برگردیم به اصل موضوع افکار عامه را به دست این جماعت عوام نمی‌شود تازه کرد و تغییر داد.

مادام که روزنامه نویسی کسب بی‌سواد و هوچی است مطبوعات ما جز خرابی و فساد هیچ نتیجه نمی‌دهد.